



بوستان سالکان

در شرح صحیفہ سرور ساجدان علیہ السلام

جلد اول

تألیف

صدرالدین سید علی خان مدنی

ترجمہ دکتر حسین صابری

سرشناسه مدنی، علی خان بن احمد، ۱۰۵۲ - ۱۱۲۰ ق.

عنوان قراردادی ریاض السالکین فی شرح صحیفه سیدالساجدین صلوات الله علیه. فارسی

عنوان و نام پدیدآور بوستان سالکان در شرح صحیفه سرور ساجدان علیه السلام / تألیف صدرالدین

سید علی خان مدنی؛ ترجمه حسین صابری.

مشخصات نشر مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۹۷ ش.

مشخصات ظاهری ج.

شابک (شابک ج ۱) ISBN 978-600-06-0239-0 (شابک دوره) ISBN 978-600-06-0238-3

وضعیت فهرست نویسی فیپا.

موضوع علی بن حسین (ع)، امام چهارم، ۳۸ - ۹۴ ق. صحیفه سجادیه -- نقد و دعاها.

موضوع Prayers

موضوع صابری، حسین، ۱۳۴۵ - مترجم.

موضوع بنیاد پژوهشهای اسلامی.

رده رده دی دیو ۲۹۷ / ۷۷۲

رده رده بی بی سگره ۳۰۲۱۷ ۱۳ ص ۸ / ۱ / ۲۶۷ BP

شماره کتابشناسی ۵۰۱۵۰۶۰



بوستان سالکان

در شرح صحیفه سرور ساجدان علیه السلام

جلد اول

تألیف: صدرالدین سید علی خان مدنی

ترجمه دکتر حسین صابری

ویراسته محمد رضا نجفی

چاپ اول: ۱۳۹۷ / ۴۰۰ نسخه، وزیری / قیمت ۴۰۰۰۰۰ ریال

چاپ و صحافی: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد: صندوق پستی ۹۱۷۳۵-۳۶۶

تلفن و دورنگار واحد فروش بنیاد پژوهشهای اسلامی: ۳۲۲۳۰۸۰۳

فروشگاههای کتاب بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد: ۳۲۲۳۳۹۲۳، قم: ۳۷۷۳۳۰۲۹

www.islamic-rf.ir

info@islamic-rf.ir

حق چاپ محفوظ است

فهرست

۵.....	سخن ناشر.....
۷.....	یادداشت مترجم.....
۱۳.....	پیشگفتار مؤلف.....
۲۹.....	مقدمه مؤلف.....
۴۱.....	مقدمه و سند صحیفه سجادیه.....
۲۴۵.....	بوستان نخست: شرح دعای اول.....
۴۹۹.....	بوستان دوم: شرح دعای دوم.....
۶۲۳.....	کتابنامه مترجم.....

پیشگفتار مؤلف

بسم الله الرحمن الرحيم

سپاس و ستایش، خدایندی را که نظام دین را به پیامبر خود احمد صلی الله علیه و آله کامل ساخت و به وصی او علی علیه السلام صلواتی را فراخ گردانند. دزد خداوند بر آن دو بزرده و برفتارشان هدایتگرایشان، امامان امت و خلیفگان راه یافته.

باری، فقیر درگاه پروردگار غنی، صدرالدین علی بن نظام الدین احمد حسینی حسنی که خداوند او و پدرش را از فضل سرشار خرد روی دهد، گوید:

[پنج حدیث مسلسل]

[حدیث نخست:] پدرم سید بزرگوار نظام الدین احمد، از پدر خود سید بزرگوار محمد معصوم، از استاد محقق خویش مولی محمد امین استرآبادی، از استاد خود پیشوای محدثان میرزا محمد استرآبادی، از سید ابومحمد محسن ما را حدیث کرده و گفته است: ابوعلی شرف الآباء، از پدرش استاد بشر غیاث الدین منصور، از پدر خود صدر الحقیقه محمد، از پدر خود غیاث الدین منصور، از پدر خود صدرالدین محمد، از پدر خود شرف المله ابراهیم، از پدر خود صدرالدین محمد، از پدر خود عزالدین اسحاق، از پدر خود ضیاء الدین علی، از پدر خود زین الدین عربشاه، از پدر خود نجیب الدین

ابوالحسن امیرانیه، از پدر خود خطیرالدین امیری، از پدر خود جمال الدین ابوعلی حسن، از پدر خود ابو جعفر حسین عزیزی، از پدر خود ابوسعید علی، از پدر خود ابوابراهیم زید اعشم، از پدر خود ابوشجاع علی، از پدر خود ابو عبدالله محمد، از پدر خود علی، از پدر خود ابو عبدالله جعفر، از پدر خود احمد سکین، از پدر خود جعفر، از پدر خود ابو جعفر محمد، از پدر خود زید شهید، از پدر خود زین العابدین علی علیه السلام، از پدر خود سید الشهداء حسین علیه السلام، از پدر خود امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام مرا حدیث کرده و گفته است: «سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم يقول: وقد سئل بأي لغة خاطبك ربك ليلة المعراج؟ قال: بلساني بلسان علي علیه السلام فألهمني أن قلت: يا رب خاطبتني أم علي؟ فقال: يا أحمد أنت شمس ليس كالأشياء، لا أقاس بالناس ولا أوصف بالشبهات، خلقتك من نوري، و خلقت عدل من بك، اطلعت على سرائر قلبك فلم أجد في قلبك أحب من علي بن أبي طالب علیه السلام فخالستك بلسانه كيما يطمئن قلبك»^۱.

توضیح: این حدیث شریف را هجده چندان ابوالمؤید موفق بن احمد خوارزمی معروف به اخطب خوارزم^۲ در باب ششم کتاب مناقب ائمہ المؤمنین به سندی دیگر و تفاوتی اندک در

۱. از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که چون از او پرسیدند: «ای معراج پروردگارت تو را به کدام زبان خطاب کرد، فرمود: مرا به زبان علی خطاب کرد و مرا الهام فرمود که پرسیدم: پروردگارا، تو مرا خطاب کردی یا علی؟ فرمود: ای احمد، من چیزی هستم نه چون دیگر چیزها. به به من قیاس شوم و نه به همانند در وصف آیم. تو را از نور خویش آفریدم و علی را از نور تو آفریدم. پس در بهفته ای که تونگریستم و در دل تو محبوب تر از علی بن ابی طالب نیافتم و از این روی به زبان او تو را خطاب کردم تا دلت آرام گیرد. من را بنگرید در: ابن طاووس، الطرائف (با مقداری تفاوت و به نقل از اخطب خوارزم)؛ حلی، المحتضر، ۹۵ و ۹۶ م.

۲. ابوالمؤید موفق بن احمد بن محمد مکی خوارزمی (حدود ۴۸۴-۵۶۸ ق) مشهور به خطیب مکی، موفق مکی، خطیب خوارزم و خوارزمی و صاحب آثاری چون الاربعین، رد الشمس و المناقب است. درباره او رک: قفطی، انباه الرواة، ۳/۳۳۲؛ ابن ابی العرفاء، الجواهر المضية، ۲/۱۸۸؛ زرکلی، الاعلام، ۷/۳۳۳ و ۳۳۴؛ کحاله، معجم المؤلفین، ۱۳/۵۲؛ کلبرگ، کتابخانه ابن طاووس، ۱۹۴ و ۱۹۵؛ صابری،

متن نقل کرده و متن روایت او چنین است: ابوالقاسم نصر بن محمد بن علی بن زیرک مقری ما را خبر داده و گفته است: پدرم ابوبکر محمد ما را حدیث آورده و گفته است: ابوعلی عبدالرحمن بن محمد بن احمد نیشابوری ما را حدیث کرده و گفته است: احمد ابن محمد بن عبدالله نانجی بغدادی که از حافظان دینور است ما را حدیث کرده و گفته است: محمد بن جریر طبری ما را حدیث کرده و گفته است: محمد بن حمید رازی ما را حدیث کرده و گفته است: علاء بن حسین همدانی ما را حدیث کرده و گفته است: ابومخنف لوط بن بحیی ازدی از عبدالله بن عمر ما را حدیث کرده و گفته است از پیامبر خدا ﷺ شنیدم که چون از او پرسیدند: پروردگارت در شب معراج با کدام زبان تورا خطاب کرد فرمود: «طَبَنِي بِلُغَةِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالْهَمْنِي أَنْ قُلْتُ: يَا رَبِّ خَاطِبَتْنِي أُمُّ عَلِيٍّ؟ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ [أَحْمَدُ] إِنَّا مَعَهُ كَالْأَشْيَاءِ، لَا أَقَاسُ بِالنَّاسِ، وَلَا أَوْصِفُ بِالشَّبَهَاتِ. خَلَقْتُكَ مِنْ نُورِي وَخَلَقْتُ عَلِيًّا مِنْ نَزْكَ، فَاطْلَعْتَ عَلَى سِرَائِرِ قَلْبِكَ فَلَمْ أَجِدْ أَحَدًا أَلَى قَلْبِكَ أَحَبَّ مِنْ عَلِيٍّ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ، [خَاصَّتْكَ] لِسَانَهُ كَيْمَا يَطْمِئِنَّ قَلْبُكَ»^۱.

واژه «لغة» که در متن حدیث آمده، به معنای «لسان»، همان گونه که بر زبان رایج هر ملت اطلاق می شود و برای نمونه می گویند زبان عرب ها و زبان غیر عرب ها، به همین سبک بر لهجه یا سبک شخصی بیان سخن از سوی هر فرد، اعم از چگونگی تلفظ حروف و اصوات و تقطیع آن، که از فردی به فرد دیگر متفاوت است، اطلاق می شود.

از این روی در اینکه در متن خبر آمده است که کسی پرسید: «بِأَيِّ لُغَةٍ خَاطَبْتَكَ رَبِّكَ»، هریک از این دو معنا را برمی تابد؛ اما در این سخن پیامبر که فرمود: «طَبَنِي بِلُغَةِ عَلِيٍّ» یا طبق روایت خوارزمی فرمود: «خَاطِبَتْنِي بِلُغَةِ عَلِيٍّ»، واژه های «لسان» و

۱. مرا به زبان علی خطاب کرد و چنین الهام کرد که پرسیدم: پروردگارا، تو مرا خطاب کردی یا علی؟ فرمود: ای محمد [احمد]، من چیزی هستم نه چون دیگر چیزها، نه به مردم قیاس شوم و نه به همانند در وصف آیم. تورا از نور خویش آفریدم و علی را از نور تو آفریدم. پس در نهفته های دل تو نگریستم و در دلت هیچ کس را محبوب تر از علی بن ابی طالب نیافتم و از این روی تورا به زبان او خطاب کردم تا دلت آرام گیرد.

«لغة» تنها به معنای دوم هستند و این جمله دربردارنده پاسخ جمله نخست حتی در این فرض که به معنای اول باشد هم هست؛ چراکه زبان علی عليه السلام عربی بوده است.

«قاس الشيء بالشيء»؛ یعنی «قَدَره به»؛ چیزی را با چیزی دیگر سنجید و به مقدار آن قرار داد.

«شبهات» جمع «شبهه» است، به سان «غرفات» و «غرفه». در قاموس گوید: «شُبْهه» به معنای ابهام و همانندی است.^۱ اما در اینجا از این دو، معنای دوم آشکارتر است و بر این پایه تصود عبارت این است که خداوند به همانندها وصف نشود، هر چند معنای نخست نیز ظاهر دارد.

حدیث دیگر پدرم به سند پیش گفته مرا حدیث کرده که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «إِنْ عَلَيَّا نُسَبِّحُ بِسْمِ اللَّهِ ذَاتِ اللَّهِ».^۲

توضیح: واژه «اخشن» مصدر «اخشن» است که خود افعال التفضیل از «خشن خشونة» باشد که ضد «لان» (نرم) است.

زمخشری در اساس می گوید: «اربع برهای مجازی است که چون کسی در کار دین سختگیر باشد، گویند: «فلان خشن فی دینه».

در اینجا تصغیر به هدف گرامیداشت صورت گردن است؛ نظیر آن که گفت دویهیة تصفّر منها الانامل.^۴

۱. رک: فیروزآبادی، القاموس المحيط، ۱۲۴۷ م.

۲. علی در کار خدا حقیقتاً همان سختگیر محبوب است. متن خبر را جدای از سند بنگرید در: ابن حنبل، مسند احمد، ۳۳۷/۱۸؛ ابونعیم، حلیة الاولیاء، ۶۸/۱ م.

۳. رک: اساس البلاغة، ۲۴۸/۱.

۴. مصراعی است از بیت لبید و متن بیت این است:

وکلّ اناس سوف تدخل بينهم دویهیة تصفّر منها الانامل

ترجمه بیت هم چنین است: به زودی به سراغ همه مردمان دردی محبوب خواهد آمد که سرانگشتان از آن زرد شود (کنایه از مرگ). بیت را بنگرید در: دیوان لبید.

واژه «اخیشن» غیرمنصرف است و این امر به داشتن وزن الفعل برمی گردد و نشان وزن الفعل هم زیاده‌ای است که واژه با وجود آن به فعل سزامنندتر می نماید تا به صفت؛ چه اینکه معیار وزن الفعل که سبب عدم انصراف واژه شود وجود زیاده است، هر چند صورت کنونی صورت فعل نباشد، این نکته‌ای است که کمتر کسانی بدان توجه داده‌اند.

«ذات الله» عبارت است از آن اوامر، حدود و احکامی که به خداوند سبحان نسبت داده شود؛ نظر «جنب الله» در این کلام خداوند که فرمود: ﴿يَا حَسْرَتِي عَلَى مَا فَرَّقْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ﴾^۱. این تعبیر حدیث خود گواهی بر استعمال واژه «ذات» به این معنا وردی بر کسانی است که کار بد واژه به این معنا را انکار کرده‌اند. افزون بر این از صاحب تکملة نقل شده که گفته است: «جعل الله ما بيننا في ذاته»^۲. ابوتمام نیز گوید:

و يضرب في ذات الاله فيوجع^۳

شاید هم مصراعی از بیت حسن بن علی بن حمد بن ... بن ابراهیم غزی زغاری (قرن ۸ق) باشد که گوید:

وتهفو بالباب الرجال لآلهها دعوها تصفر منها الانامل

ترجمه بیت نیز این است: هوش از سر مردان می برد؛ زیرا دردی محبوب است که از پس آن، سرانگشتان به حنابندان عزا زرد شود.

بیت را بنگرید در: صفدی، اعیان العصر، ۲/ ۲۲۴؛ همو، الوافی بالوفیات، ۱۲/ ۱۱۶؛ ابن حجر، مقلانی، الدرر الكامنة، ۲/ ۱۲۷؛ خفاجی، ریحانة الالبا، ۲۱۶ م.

۱. زمر ۵۶/ ۳۹: ای حسرتا بر من که در کار خدا کوتاهی کردم.

۲. خداوند آنچه را میان ما هست بر سر کار خویش قرار داد. عبارت و نیز این بحث را به نقل از صاحب تکملة بنگرید در: مطرزی، المغرب، ۱۷۸؛ فیومی، المصباح المنیر، ۱/ ۲۱۱؛ بغدادی، خزنة الادب، ۱/ ۱۴۲ م.

۳. متن کامل بیت این است:

يقول فيسمع ويمشي فيسرع و يضرب في ذات الاله فيوجع

ترجمه بیت هم چنین است: می گوید و صدایش را به گوش همگان می رساند و می رود و شتابان می رود و در راه خدا شمشیر می زند و درد مرگ بر جان دشمن می نشاند.